

چه می‌کنیم و بگجایم و ایم ؟ !

(بقیه از شماره قبل)

۱ - ...

۲ - ...

۳ - قدری بخود آئیم

... بیائید قدری بخود آئیم و مسافت میان خود و دین را طی کرده دست به ریسمان خدائی و حبل المتین دین بیاویزیم و جوانان را طبق تعلیمات دین تربیت کرده و تعلیم دهیم .

تازه در بلوک غرب ، همان غربی که لانه فساد است ، دانشمندان آنها ب فکر اصلاح جوانان بوسیله تربیت دینی ، افتاده اند و میچخواهند از راه تعلیمات دینی و کتاب مقدس بادینی آلوده و کثابی تحریف شده ، جوانان را هدایت و ارشاد کنند ولی مادست از تمالیم عالیه اسلام برداشته و قرآن و قوانین متقن آنرا در لافاهای پیچیده کنار گذارده ایم فقط در مجالس عقد عروسی و سوگواری برای انجام تشریفات معمولی بمیان آورده و گردهای چندین ساله آنرا تکان داده و ورقی از آنرا خوانده و نخوانده کنار می گذاریم ، جوانان ما هیچکدام مطابق با برنامه اسلام و قرآن تربیت نگشته اند و اولیاء مدارس متوسطه و دانشکده کمتر تربیت جوانان را طبق موازین شرعی هدف عمل خود قرار میدهند . و تصور میکنند با یاد دادن يك مشت فرمول خشك و درسهای از آنها خشك تر و يك سری برنامه تعیین شده جوانان تربیت میشوند ، و یا تربیت یعنی : انباشتن مغز از مطالب گوناگون علمی و تجربی !

چند سال قبل میچل سادلر (Micheal Sudler) پرسشنامه ای جهت

بعضی از شخصیت‌های برجسته آمریکا فرستاد و از ایشان سؤال کرد که برای بالا بردن سطح تربیت اخلاقی شاگردان در صورت اختیار امکان چه تغییری در برنامه مدرسه (۱) میدهند .

دکتر دگه . استانی‌هال ، رئیس دانشگاه وورسستر ، چنین جواب داد :

الف - من برای هر کلاسی يك دستورالعمل اخلاقی که بوسیله کمیته‌ای تهیه شده باشد تعیین میکنم . این دستورالعمل ممکن است ، مانند کتب فرانسوی که برای تعلیمات اخلاقی و امور مدنی تهیه شده است باشد .

ب - من قسمتهائی از کتاب مقدس (انجیل) را انتخاب میکنم و تعلیمات مذهبی را در برنامه مدرسه وارد می‌سازم .

ج - يك کتاب درسی درباره اخلاق شخصی و علمی تهیه میکنم در این کتاب قوانین بهداشتی و تربیت اراده را بدون خودداری از بحث راجع با اساس منوی اخلاق مطرح میکنم .

د - برای تقویت و تکمیل وجدان اخلاقی تا حد زیادی بشرافت و پاکدامنی تکیه میکنم (۲) .

آری دانشمندان اروپا و آمریکا در صدد هستند با تشکیل برنامه مذهبی و وارد کردن آن در برنامه مدارس ، جوانان را با مبانی مذهبی آشنا سازند و با درست کردن برنامه‌های اخلاق می‌خواهند آنها را از مفاسد اخلاقی که الان با آن دست به گریبانند رها نکرده بسوی تکمیل و تقویت وجدان اخلاقی و سعادت همیشگی سوق دهند و برای پیشبرد هدف خود بشرافت و پاکدامنی بیش از هر چیز تکیه میکنند ، ولی آیا میان ما ، معلمان مدارس ما ، چنین هستند ؟

آیا کوچکترین وقتی به جوان شرافتمند متدین می‌گذارند ؟ و آیا برنامه‌های درسی را با تعلیمات عالیه دینی آمیخته و به جوانان می‌آموزند و یا اینکه آنها را با هرزه گوئی و سخریه ، از دین و مبانی اخلاقی بیزار کرده بین آنها و دین جدائی می‌اندازند ؟ و اگر جوان متدینی در بین آنها یافت شود بالقب امل انگشت -

(۱) منظور از «مدرسه» معنی اعم است نه اخص .

(۲) روانشناسی تربیتی تألیف دکتر شریعتمداری ص ۱۸۷ .

نمایش میکنند و کاری میکنند که او هم به خیل دسته آنها بپیوندد و دست از دین و اخلاق بشوید !

آیا از فلان ستاره سینما با جوانان سخن میگویند یا آنها را از حال بزرگان دین و اجتماع آگاه میکنند ؟ آیا جوان متدین را مستخره میکنند یا اینکه موقعیتهایی ایجاد میکنند که آن جوان حس کند میزانهای اخلاقی او مورد احترام دیگران و از جمله معلم است ؟ آیا دیگران را به متابعت جوان دیندار و امیدوار ندو یا اینکه اگر جوانی خواست از رفیق خود مبانی اخلاقی را بیاموزد او را اورفیتش را مرتجع و کهنه پرست میخوانند ؟

آیا برای آنها جشنهای ملی و مذهبی ترتیب میدهند یا آنها را به کاباره ها و مجالس رقص و پیک نیک پسران و دختران و گاردن پارتی دعوت میکنند ؟ جواب این سؤالات را شما خود هم ترازمین میدانید . ولی در هر صورت بیائید سراغ این خواب گران برداریم و بر نامه های اخلاقی و دینی را با علوم جدید چون شهدوشکر بهم درآمیخته و جوانان را چه از نظر فکری و علمی و چه از نظر اخلاقی و دینی تقویت کنیم .

مگر فراق گرفتن علم ، ملازم با فحشاء و منکراست ؟ مگر اتم شکافتن لازمه اش فساد اخلاق است ؟ مگر میکرب فلان مرض را کشف کردن توأم با دست برداشتن از مقدسات است ؟ بخدا چنین نیست و هر که چنین تصور میکند ، تصویری باطل کرده و اشتباه نموده است .

مردی که می بیند دخترش را نصف شب دارد بطرف استخر میبرند تا شنا پارتنی را گرم کنند ، چیزی نمیگوید و وقتی می بیند زنش را دارند لخت میکنند تا بر قصد حرفی نمیزند ، و این کارها را نوعی وسیله ترقی برای خود و خانواده اش میدانند و بملاحظه اینکه مبادا حامل براملی او شود ساکت و خاموش مینشینند (۱) تا خود و خانواده و جوانانش طعمه دیگران شوند ، تهی مغز است ، غیرت و حمیت و اصالت خانوادگی ندارد .

شخصیت و ارزش معنوی را فاقد است ، او تمدن نیست بلکه وحشی قرون

اولیه است که بلباس روز جلوه نموده و با این وحشیگری‌های مدرن ماهیت خود را پرو می‌دهد. او نمی‌فهمد و با نفهمی و گمراهی و آلودگی خویش خانواده خود را هم آلوده و گمراه می‌کند.

آیا اگر متدین باشد و رقص زنش را کسی نبیند، دخترش آلت اجرای مقاصد شوم دیگران نباشد و املش بخوانند بهتر است یا بدین بدبختی دچار گردد؟ در جنوب شهر تهران بسری‌به‌تراست یا در شمال و مراکز فساد؟ فرزندانش تربیت شده مکتب اسلام و قرآن باشند بهتر است یا سراز محله‌های بدنام در آورند؟ شما کدام را بهتر میدانید، و همو که دچار این بدبختی شده کدامیک را بهتر می‌خواند؟ آخر تا کی مدپرستی، تا کی جنسایت، تا کی فساد، تا کی غر بزدگی!

قدری بخود آئیم و سراز خواب غفلت و فراموشی برداریم، موشک آمریکا و شوروی بماء می‌رسد ولی ایرانی هنوز مجو تماشای عروسک‌های هالیوود و عروسک‌نماهای پاریس است، آلمان از دست رفته، مجدد و عظمت گذشته خود را باز می‌یابد ایرانی در راه نابودی و فساد اخلاق تحویل اجتماع میدهد.

چرا بزرگان وطن، این غربان اجتماع را از غرقاب گمراهی نجات نمیدهند، و چرا بزرگان دینی فکری به حال ملت نمی‌کنند؟
و جور و بیداد کند عمر جوانان کوتاه

ای بزرگان وطن بهر خدا داد کنید،

و گردش از جور شما خانه‌موری ویران

خانه خویش محالست که آباد کنید» (۱)

بخدا همه مقصریم، همه گناهکاریم و در محکمه عدل الهی همه مسئولیم! باید در راه تبلیغ احکام اسلام بکوشیم و جوانان را هدایت و ارشاد کنیم و از بذل هیچگونه توجه و کوشش و جدیت در این راه دریغ ننمائیم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال